

فصل دوم: شکفتن

در زندگی، مطالعه دل، غنیمت است خواهی بخوان و خواه نخوان، ما نوشته ایم

در زندگی خودشناسی و تفکر در احوال خود، ارزشمند است. اکنون اختیار با خودت است؛ ما گفتی‌ها را گفته‌ایم.

عبدالقادر بیدل دهلوی

درس سوم: مثل آئینه (پایه نهم)

واژگان جدید

تَب و تَاب :	زِنهار:	نَقْد:
هِيَاهو:	پِنْدَار:	مَتَاع:
غَنِيْمَت:	عَار:	بَصِيْرَت:
زَنگاَر:	خُرَوَار:	اِيْتَام:
دَرِيْغَا:	خُسْرُو:	مَوْسَم:
فَرْتُوْت:		

تاریخ ادبیات

پروین اعتصامی: مرزبان نامه: سعدالدین وراوینی:

بازگردانی تک بیت صفحه ۲۵

وقتی که آئینه، تصویر واقعی تو را نشان می دهد؛ بهتر است خودت را اصلاح کنی؛ نه این که آئینه را بشکنی. نظامی گنجه‌ای

بازگردانی شعر «کار و شایستگی»

۱. جوانی هنگام کار کردن و کسب شایستگی هاست؛ نه هنگام غرور و خودپسندی و فکر و خیال بیهوده.
۲. هنگامی که جوانی ات را از دست دادی؛ دیگر نمی توانی آن را به دست آوری. کالای با ارزش جوانی در هیچ بازاری خرید و فروش نمی شود.

۳. فرصت جوانی را غنیمت بشمار و جز به دنبال حقیقت، مباش؛ زیرا که این فرصت، فقط یک بار است و دیگر تکرار نمی شود.

۴. هرگز از راه راست و درست به راه کج و نادرست منحرف مشو. همان طوری که برای ورود به خانه از در وارد می شویم؛ نه از دیوار؛ پس تو نیز راه راست را برو نه بی راهه.

۵. از انسان های شایسته و جوانمرد، سعی و تلاش و بردباری و شکیبایی را بیاموز و بدان که آموختن، عیب و ننگ نیست.

۶. پیش از آنکه، آئینه دل تو با زنگار گناه، آلوده شود؛ با چشم بصیرت و زیرکی به خودت بنگر و بیندیش.

۷. دانه ها و خوشه های بسیاری بر هم انباشته شده اند تا خرواری پدید آید؛ باید دانست که از آغاز، هر خوشه به تنهایی خروار نبوده است.

۸. سراسر روزهای زندگی، درس و پند است؛ اما ای دریغ و افسوس که شاگردِ هوشیار و بیداری نیست تا از این درس های مهم و بارزش زندگی، پند و عبرت گیرد.

دانش ادبی: استفهام (پرسش) انکاری

گاهی برای تأکید بر سخن و گاهی برای رد یا نفی آن، پرسشی را مطرح می کنیم که به دنبال دریافت پاسخ آن نیستیم؛ بلکه پاسخ آن برای ما روشن است. اگر جمله پرسشی با فعل مثبت، برای رد یا انکار موضوعی به کار رود؛ «**استفهام یا پرسش انکاری**» نامیده می شود. به مثال های زیر توجه کنید:

چو بفروختی از که خواهی خرید؟ متاع جوانی به بازار نیست

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟

به روشنی پیداست که شاعر در بیت اول با این پرسش می خواهد بگوید که متاع جوانی، خریدنی نیست و یا در بیت دوم می خواهد بگوید که کسی جز خدا نمی تواند از درخت، میوه و یا در کنار خار، گل زیبا را بیافریند.

گفت و گو

۱. «المؤمن مرآه المومن» یعنی «مؤمن آئینه مؤمن است». این حدیث با این بیت از نظامی گنجه ای ارتباط دارد: «آئینه چون نقش تو بنمود راست / خود شکن آئینه شکستن خطاست»

۲. بیت «همی دانه و خوشه خروار شد / ز آغاز هر خوشه خروار نیست» یادآور ضرب المثل معروف «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود» می باشد.

واژه شناسی

در نوشتن واژه هایی مانند پائیز، آئینه و ... بهتر است؛ بنویسیم:

پائیز: پاییز آئینه: آینه

تکالیف

۱. معنی واژگان جدید را از واژه نامه پایان کتاب بیابید و در دفتر پانویس خود بنویسید.
۲. درباره‌ی آثار و اشخاصی که در تاریخ ادبیات این درس نام برده شده اند؛ از بخش فهرست اعلام اشخاص و آثار پایان کتاب، تحقیق کنید و نکات مهم را در دفتر پانویس خود یادداشت کنید.
۳. متن درس را با دقت بخوانید و خودارزیابی های صفحه ۲۷ را پاسخ دهید.
۴. فعالیت های نوشتنی صفحه ۲۸ را پاسخ دهید.

در زندگی مطالعه دل غنیمت است
خواهی بخوان و خواه نخوان، ما نوشته ایم

دانش ادبی: «مطالعه ی دل» اضافه استعاری است. بین
واژه های «بخوان» و «نخوان» جناس ناقص و تضاد
وجود دارد. در حروف «خ» و «آ» واج آرایبی وجود
دارد. واژه ی «خواه» تکرار دارد.

آینه، چون نقش تو بنمود راست
خود شکن، آینه شکستن خطاست

دانش ادبی: «راست» و «خطا» تضاد دارند. این بیت
ضرب المثل (امثال و حکم) است. «خود شکستن»
کنایه از اصلاح کردن خود است.



قالب شعر: قطعه
 جوانی گه کار و شایستگی است
 گه خودپسندی و پندار نیست

نکته زبانی: «گه» مخفف «گاه» و به معنی هنگام است.
نکته ادبی: واژه ی «گه» آرایه ی تکرار دارد. «است» و «نیست» تضاد و هم قافیه هستند.

چو بفروختی ، از که خواهی خرید ؟
 متاع جوانی به بازار نیست

نکته ادبی: این بیت استفهام انکاری دارد. «متاع جوانی» اضافه تشبیهی است. «فروختن» و «خریدن» و «متاع» و «بازار» مراعات نظیر دارند. «بازار» استعاره از دنیا است.
نکته زبانی: «بفروختی» شکل قدیم ماضی ساده است.
«که» به معنی «چه کسی» ضمیر پرسشی است.



کار و شایستگی

۱ جوانی که کار و شایستگی است
 چو بفروختی از که خواهی خرید؟
 نعمت شر، جز حقیقت مجوی
 هیچ از ره راست، بر راه کج
 ۵ ز آزادگان، برداری و سعی
 به چشم بصرت به خود درنگر
 می داند و خوش، خردوار شد
 هر کار بانام، درین است و پند
 که خوبهندی و پندار نیست
 متاع جوانی به بازار نیست
 کباری ست درمت، دگر باریست
 چو درمت، حاجت به دیوار نیست
 بیاوز، آموختن عار نیست
 تو را تا در آینه زنگار نیست
 ز آغاز، هر خوش خردوار نیست
 درینا که خاکرد شبان نیست

غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی
که باری است فرصت، دگر بار نیست

نکته زبانی: «که» برای بیان علت است. در مصراع دوم، فعل های «است» و «نیست» افعال ربطی یا اسنادی هستند و «باری» مسند است.

مپیچ از ره راست بر راه کج
چو در هست، حاجت به دیوار نیست

آرایه ادبی: این بیت کنایه از این است که «از راه راست منحرف نشو و به سمت کارهای ناشایست نرو». «راست» و «کج» تضاد دارند. «در» و «دیوار» مراعات نظیر دارند. «بر» و «در» جناس دارند. مصراع دوم تمثیلی برای مصراع اول است.

نکته زبانی: «مپیچ» فعل نهی است. «هست» به معنی وجود داشتن است؛ بنابراین فعل غیر اسنادی به حساب می آید.



کاروشایستگی

۱ جوانی که کار و شایستگی است
چو فروختی از که خواهی خرید؟
غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی
مپیچ از ره راست، بر راه کج

۵ ز آزادگان، برداری و سی
به چشم بصریت به خود درنگر
می دانم و خوش فروار شد
حر کار ایام، در س است و بند

که خودبندی و پندار نیست
متاع جوانی به بازار نیست
که باری است دست، دگر باریست
چو در دست، حاجت به دیوار نیست
پاموز، آموختن عار نیست
تو را تا در آینه زنگار نیست
ز آغاز، هر خوش فروار نیست
دریغ که خاکرد چیدار نیست

ز آزادگان ، بردباری و سعی
بیاموز ، آموختن ، عار نیست

نکته زبانی: «بردباری» اسم مشتق - مرکب و «سعی» اسم ساده هستند. «بیاموز» فعل امر و «عار» مسند است.

به چشم بصیرت به خود ، در نگر
تو را تا در آینه ، زنگار نیست

آرایه ادبی: «چشم» و «نگر» تناسب دارند. «آینه» استعاره از «دل» و «زنگار» استعاره از «تیرگی، لغزش و گناه» دارد. تکرار حرف «ر» واج آرایه دارد.

نکته زبانی: «درنگر» فعل پیشوندی است. «را» فک اضافه یا گسست اضافه است. «تا در آینه ی تو زنگار نیست».



کاروشایستگی

۱ جوانی که کار و شایستگی است
پو بفرستی از که خواهی خرید؟
نیمت شر، جز حقیقت بجوی
میج از ره راست، بر داو کج

۵ ز آزادگان، بردباری و سعی
به چشم بصیرت به خود درنگر
می دان و خوش فروار شد
هر کار با هم، درس است دهند

همی دانه و خوشه ، خروار شد
ز آغاز ، هر خوشه خروار نیست

آرایه ادبی: «دانه» و «خوشه» و «خروار» مراعات نظیر دارند. حرف «خ» واج آرایه دارد. واژه های «خوشه» و «خروار» آرایه تکرار دارند.

نکته زبانی: «همی» در اینجا به معنی «قطعاً» و «همانا» است و قید تأکید می باشد.

همه کار ایام درس است و پند
دریغا که شاگرد هشیار نیست

آرایه ادبی: «درس» و «شاگرد» مراعات نظیر دارند. این بیت تلمیح به حدیث حضرت علی (ع) دارد: «ما اکثر العبر و اقل الاعتبار»

نکته زبانی: بیت از چهار جمله تشکیل شده است. در مصراع اول، فعل «است» بعد از پند، به قرینه لفظی حذف شده است. «دریغا» شبه جمله است.



کاروشایستگی

۱ جوانی که کار و شایستگی است
پو فروختی از که خواهی خرید؟
نیمت شر، جز حقیقت نجوی
میج از رو راست، بر داو کج
۵ ز آزادگان، برداری و سعی
به چشم بصرت به خود درنگر
همی دانه و خوشه خروار شد
همه کار ایام، درس است و پند

حکایت

باغبان نیک اندیش

روزی خسروی به تماشای صحرا بیرون رفت. باغبانی پیر و سالخورده را دید که سرگرم کاشتن نهال درخت بود. خسرو گفت: «ای پیر مرد، در موسم کهنسالی و قوتی، کار ایام جوانی پیشه کرده‌ای. وقت آن است که دست از این میل و آرزو برداری و درخت اعمال نیک در بهشت بنشانی، چه جای این حرص و هوس باطل است؟ درختی که تو امروز نشانی، میوه آن کجا توانی خورد؟» باغبان پیر و یاگدل گفت: «دیگران نشاندند، ما خوردیم، اکنون ما بنشانیم تا دیگران خورند.»

بازتوسی از هرزبان نامه، سمانالدین و رلویی

دانش ادبی: «درخت اعمال» اضافه تشبیهی است. «چه جای این حرص و هوس باطل است؟» و «درختی که تو امروز نشانی، میوه ی آن کجا توانی خورد؟» استفهام (پرسش) انکاری اند.

پیام حکایت:

- ۷. قدردان گذشتگان باشیم.
- ۸. به فکر آیندگان باشیم.

